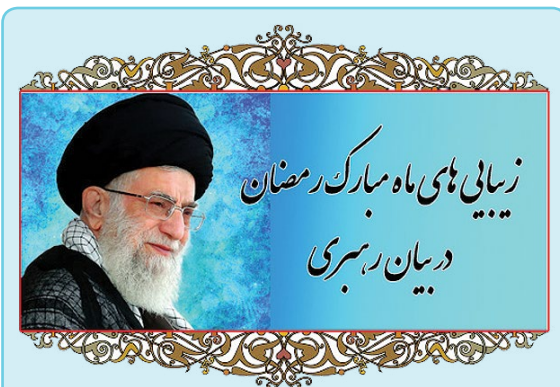




فطر؛ آغاز دوباره زندگی معنوی

هر عید فطری، برای انسان مسلمان آگاه هوشیار می تواند یک روز عید حقیقی باشد. روز شروع دوباره زندگی معنوی و روحی؛ مثل بهار برای گیاهان و درختان. انسانی که ممکن است در طول سال دچار انواع آلودگی‌ها و گناهان شود و انسانی که بر اثر هوای نفس و خصلت‌ها و صفات زشت، خود را از تدریجاً از ساخت رحمت الهی دور کرده است، هر سال در طرف پروردگار عالم را یک فرصت استثنایی بر خوردار می‌شود و آن فرصت، ماه مبارک رب رمضان است. در طول ماه رمضان، دل‌ها نرم می‌شود، روح‌ها تالوگ و درخشندگی پیدا می‌کنند، انسان‌ها آماده قدم نهان در وادی رحمت خاصه الهی می‌شوند و هر کس به قدر استعداد، همت و تلاش خود، از ضیافت عظیم الهی برخوردار می‌گردد. بعد از آنکه این ماه مبارک به پایان رسید، روز شروع سال جدید، روز عید فطر است. یعنی روزی که انسان می‌تواند با استفاده از دستاوردهای ماه رمضان، راه مستقیم الهی را پیش گیرد و از گناه‌ها پرهیز کند.

همه همت‌النbia و اولیا و اوصیا و صالحین و صدّیقین، این بوده است که انسان دشمن درونی خود را که نفس اماره اوست، کشف کند و از آن بپرهیزد. این، از بزرگ دست یافتن به مقامات و مراتب معنوی و الهی است. انسان از این رهگذار است که می‌تواند از فرشته هم بالاتر برود. امروز همان روز است، عزیزان من! همه ما ـ کسانی که این ماه مبارک رمضان را پشت‌سر گذاشته‌ایم ـ آن‌اشاءالله بقدر همت و استعداد خود آن از ضیافت و سفره گسترده الهی استفاده کرده‌ایم و هرکس توشه و دستاوردی از ماه رمضان برده است. با آنکا به این دستاورد، بیایید همه ما از امروز سعی کنیم بخشی از عیب‌های درونی و نفسانی را از خودمان دور سازیم. این، به دست ما و در اختیار ماست؛ و من جاهد فلماً یجاهد لنفسه؛ کسی که جاهد و تلاش کند، برای خود جهاد می‌کند(عنکبوت، ۶) هرچه هم از این مجاهدت، عاید شود در درجه اول متعلّق به خود ماست. اخلاقیات نابرس و زشت را در خودمان کشف کنیم که این، یک قسمت دشوار از آن مجاهدت است. درباره خودمان دچار خودشیفتگی نشویم. عیب‌هایمان را ببینیم و آنها را مثل فهرستی در مقابل خودمان قرار دهیم. با استفاده از توشه‌ای که از ماه رمضان به دست آورده‌ایم ـ که همان رقت قلب و اراده و صفا و خلوص و آن‌اشاءالله طاعات مقبول است ـ سعی کنیم از این فهرست، مقداری را حذف نماییم. اگر خسودیم، حسد را؛ اگر لجوجیم، لجاجت را؛ اگر در راهمای زندگی، تبیل و بی‌نشاطیم، تبیلی و کسالت را؛ اگر بددل و بدخواه دیگرانیم، بددلی و بدخواهی را؛ اگر سست‌عهدیم، سست‌عهدی را؛ اگر بی‌پیمان‌کنشیم، بی‌وفایی را. هر عیبی را که از لحاظ اخلاق در ما وجود دارد، به برکت ماه رمضان و روز عید فطر، تا آنجا که می‌توانیم از فهرست و سیاه‌ه اعمال بدمان پاک کنیم و بر سر آن باسندیم و پیش برویم. بنابندید که خدای متعال در این راه به کسانی که مجاهدت کنند کمک خواهد کرد. خدای متعال شما را در میدان مجاهدت برای رسیدن به کمال، تهانه می‌گذارد و اولین سونه به خود هر شخص می‌رسد. علاوهبر این، منافع مبرزه با نفس، اصلاح نفس و مجاهدت درونی در راه خدا ـ که جهاد اکبر است ـ مخصوص خود شما هم نمی‌ماند؛ بلکه جامعه و کشور و ملت و اوضاع کشور و اوضاع سیاسی و عزّت بین‌المللی و اوضاع اقتصادی و وضع زندگی و خلاصه دنیا و آخرت مردم، از این رهگذار رونق و تالگو و درخشش پیدا می‌کند. آن وقت است که این ملت که بمحاذله لیاقت‌های خود را در طول سال‌های متمادی به اثبات رسانده است، مانند مشعل درخشانی در مقابل چشم ملت‌های دیگر خواهد درخشید؛ از او استفاده خواهند کرد و اخلاقی را الگو قرار خواهند داد. از خدا کمک بگیریم تا در این راه قدم برداریم و گناهان را یکی پس از دیگری ترک کنیم. اخلاق فاسد را یکی پس از دیگری از خود دور سازیم. خود را انسان طراز قرار و طراز اسلام بسازیم و ببرداریم. آن وقت است که خدای متعال هم، به همه وعده‌های خود درباره این ملت عمل خواهد کرد و برکاتش یکی پس از دیگری بر شما نازل خواهد شد.

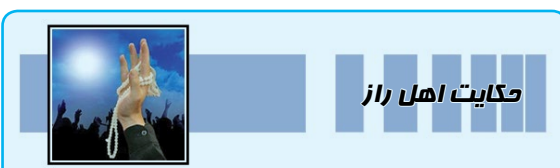
✽ بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر - ۱۳۷۲/۱۱/۱۳.

در محضر امام خمینی (ره)

از روی چمن عبور نمی‌کردند

تقید و التزام امام به قوانین و مقررات منحصر به نظام اسلامی نبود، بلکه به رعایت مصالح عمومی جامعه و حفظ بیت‌المال بستگی داشت. امام حتی در رژیم باطل پهلوی نیز مشابه این روش را داشتند. مرحوم آیت‌الله شهید حاج آقا مصطفی خمینی نقل می‌کرد: در شهر همان امام به هنگام عبور از عرض یکی از خیابان‌ها به خاطر عدم عبور از روی جدول وسط خیابان که چمن کاری شده بود، مسافت زیادی را طی می‌کردند تا از تقاطع عابر پیاده عبور کنند و مجبور نباشند قدم روی چمن‌ها بگذارند.

✽ حجت‌الاسلام رجیمیان -حاج‌هامه پاسلدار اسلام - ش ۱۰۸ - ص ۳۵ - سال نهم - آذر ۱۳۶۹.



سیره علامه سید مهدی قزوینی در ماه رمضان

علامه سید مهدی قزوینی (۱۲۱۰-۱۳۰۰ق)، از علما و مراجع برجسته شیعه در قرن سیزدهم هجری است. او استاد فقهایی معروفی همچون آخوند محمدکاظم خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی بود و نقش برجسته‌ای در ترویج مکتب شیعی در شهر حله داشت. در صالات او گفته‌اند: هرگز در خانه خود از خانواده و خدمتکاران چیزی و حاجتی نمی‌طلبید، مثل غذا در وقت نهار و شام و جای و قلیان و غیره و اگر خانواده او مواظب غذا و احتیاجات او نبودند، او هرگز درخواست نمی‌کرد و اگر خانواده‌اش فراموش می‌کردند چیزی را به او برسانند، شب و روز می‌گذشت ولی سید چیزی نمی‌گفت. در مهمانی‌ها حاضر می‌شد، ولی کتابی به همراه برده و در گوشه مجلس مشغول تألیف و نوشتن می‌شد و از اهل مجلس کسی از ایشان حرفی نمی‌شنید، مگر این که مستلماً جواب بپرند و ایشان مجلس بگوید.

رسم سید در ماه رمضان چنین بود که نماز مغرب را با جماعت در مسجد می‌خواند. نافله مغرب را می‌خواند و به خانه می‌آمد و افطار می‌کرد و به مسجد برمی‌گشت و به همان نحو نماز عشاء را خوانده و به خانه می‌آمد و مردم جمع می‌شدند، اول قاری خوش صدایی با لحن قرآنی آیاتی از قرآن را که به وعظ و تذکر و وعده و وعید قیامت مربوط بود می‌خواند، به طوری که قلبهای سخت را نرم و چشمهای خشک را تر می‌کرد، سپس دیگری به همان نحو، خطبه‌ای از نهج‌البلاغه می‌خواند، آنگاه سومی مصیبت‌های امام حسین(ع) را می‌خواند، آنگاه یکی از صالحین، مشغول خواندن دعاهای ماه مبارک رمضان می‌شد و دیگران متابعت می‌کردند، تا وقت خوردن سحر می‌شد، پس از آن هر یک به منزل خود مراجعت می‌کردند.

✽ داستانهایی از زندگی علامه، ص ۲۱

نماز بهترین اعمال دینی است که اگر قبول درگاه خداوند عالم نشود، عبادت‌های دیگر هم قبول نمی‌شود و اگر پذیرفته نشود اعمال دیگر هم قبول نمی‌شود، همان طور که اگر انسان شبانه‌روز پنج نوبت در نهر آبی شستشو کند، آلودگی در بدنش نمی‌ماند، نمازهای پنج‌گانه هم انسان را از گناهان پاک می‌کند و سزاوار است که انسان نماز را در اوّل وقت بخواند و کسی که نماز را پشت و سبک شمارد مانند کسی است که نماز نمی‌خواند، یکی از سوّالاتی که در رابطه با نماز مطرح می‌شود این است که منظور از نهی و بازدارندگی نماز از گناه چیست؟ و چرا این بازدارندگی در برخی نمازگزاران مشهود نیست؟ واحد پاسخگویی مرکز تخصصی نماز این‌گونه پاسخ می‌دهد:

مفسران در خصوص منظور این آیه مبّنی بر اینکه نماز انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد، پاسخ‌های متعددی را مطرح کرده‌اند که در اینجا برخی از آنها را ذکر می‌کنیم:

نهی نماز از فحشا و منکر نهی تشریعی است نه تکوینی

از برخی روایات استفاده می‌شود که خود نماز انسان را به‌صورت تشریعی از فحشا و منکر نهی می‌کند و انسان، هم می‌تواند منجبات نماز را اطاعت کند و هم می‌تواند اطاعت نکند، کما اینکه در روایتی از پیامبر خدا(ص) نقل شده است: «لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يَطْعِ الصَّلَاةَ وَ طَاعَةُ الصَّلَاةِ أَنْ تَنْهَى عَنْ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ»^(۱)، کسی که اطاعت فرمان نماز نکند نمازش از فحشا و منکر نیست و اطاعت نماز آن است که نهی آن را از فحشاء و منکر به کار بندد.

از همین رو برخی مفسران گفته‌اند: نماز مانند یک انسانی که دیگری را از فحشاء و منکرات نهی می‌کند، به شخص نمازگزار می‌گوید: زنا مکن، بر مخور، دروغ مگو و... و لیکن همان طور که در آن لازمه نهی این نیست مفسران در خصوص منظور این آیه مبّنی بر

امام صادق(ع) فرمودند: هر کس دوست دارد بداند نمازش قبول شده یا نه، ببیند که آیا نمازش او را از گناه و زشتی باز داشته یا نه؟ پس به هر قدر که نمازش او را از گناه بازداشته، به همان اندازه نمازش قبول شده است.

که ششونده گوش هم بدهد و از گفته او برحذر بشود، در نماز نیز چنین است. یعنی نماز مرتّب به نمازگزار می‌گوید که چنین و چنان مکن و لیکن لازمه این نهی این نیست که نمازگزار(بصورت تکوینی) از آن کارها دست بردارد، مگر نهی نماز از نهی خدا مهم‌تر و مؤثرتر است؟ خدای تعالی در آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَ إِيْتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ يُنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ»^(۲)، به عدل و احسان و صلّه رحم امر می‌کند و از فحشاء و منکر نهی می‌فرماید و با این حال مردم همچنان نافرمانی‌اش می‌کنند و نهی او باعث بازدارندگی مردم نمی‌شود، نهی نماز مثل آن است.

نماز، ملکه پرهیز را در انسان ایجاد می‌کند

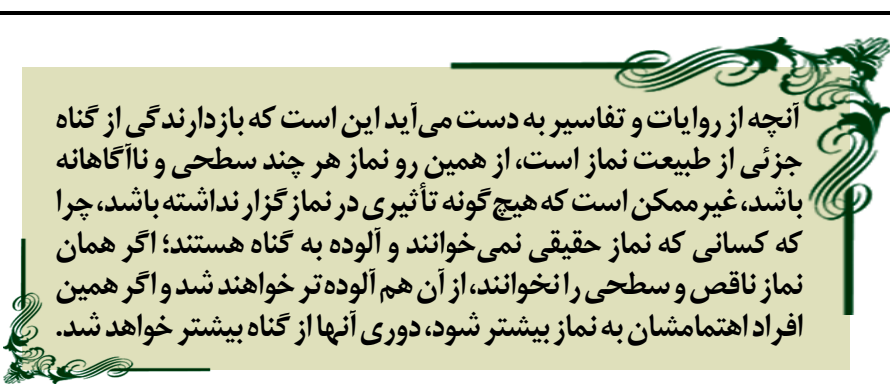
برخی مفسرین با استناد به داستان جوانی از انصار که با رسول خدا نماز می‌خواند و مرتکب فحشا می‌شد و پیامبر(ع) فرمود: بالاخره روزی نمازش او را از ارتکاب فواحش نهی می‌کند و چیزی نگذشت که او توبه کرد، چنین گفت‌اند که معنای آیه این است که نماز در آینده صاحبش را از فحشا و منکر باز می‌دارد(۵)، هر چند هم اکنون گرفتار گناه و معاصی باشد.

نمازگزار ناچار است که به‌خاطر سخت نماز و یا قبول شدن آن، یکسری دستورات دینی را مراعات کند (از جمله غسی نبودن لباس و مکان نماز، طهارت بدن، عدم شرب خمر و...) که رعایت آنها خود زمینه‌ای

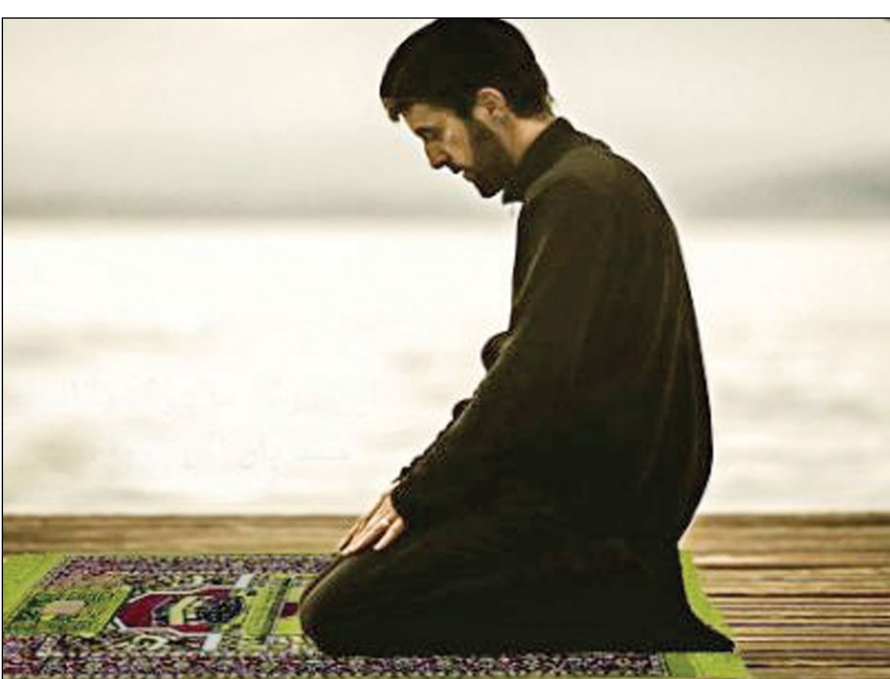
خداوند به عنوان آفریدگار انسان خود مسئولیت آموزش و پرورش او را به عهده گرفته و به عنوان رب‌العالمین در حال تعلیم و تزکیه بشر است. البته در این حوزه برای خود خطایی را برگزیده است که پیامبران از جمله پیامبر اکرم(ص) و معصومان(ع) هستند.(بقره، آیات ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران، آیه ۱۶۴، جمعه، آیه ۲)

هدف و فلسفه بعثت پیامبر(ص) تعلیم و تزکیه مردمان است تا مراتب کمالی را بشناسند و آن برسند و سپس در قالب مکارم اخلاقی به آخرین مرتبه کمالی دست یابند. از این رو، مراتبی از کمالات را به انسان‌ها نشان می‌دهند که جز با تعلیم و با الهی آنان دست یافتنی نیست و همچنین انسان‌ها را به کمالاتی می‌رسانند که جز با تزکیه الهی آنان شدنی نیست. خداوند بر آن است تا انسان‌ها به درجه نخست کمالی یعنی عدل برسند و قیام به عدالت کنند؛جدید، آیه ۲۵) سپس در یک تعلیم و تزکیه خاص که برای مسلمانان و مومنان در نظر گرفته، این دسته از بشر را که همراه و همگام پیامبران هستند، به مرتبه احسان رسانده و از آنجا به مرتبه نهایی یعنی مقام اکرام برساند. از این رو، به مومنان فرمان می‌دهد که فقط بر مدار و محور عدل حرکت نکنند، بلکه درمحور احسان

معارف



لذا در یک مقایسه ساده می‌بینیم کسانی که نام مسلمانی دارند و نماز نمی‌خوانند، روزه را هم نمی‌گیرند و حج هم نمی‌روند و زکات هم نمی‌دهند و بالاخره سایر واجبات را هم ترک می‌کنند و هیچ فرقی بین پاک و نجس و حلال و حرام نمی‌گذارند و هیچ چیزی را در راه خود آنجا که نماز مشتمل بر ذکر خدا است و این ذکر، اولاً



از این ویژگی‌ها به دور بوده نماز او قبول نشده و به همان مقدار، اثر بازدارندگی خود را از دست می‌دهد.

ج- عادت به نماز

ممکن است علت اینکه بعضی نمازگزاران مرتکب گناه می‌شوند، این باشد که نمازی که می‌خوانند از روی عادت است نه ترس از خدا؛ چون ترک عادت بسیار دشوار است. نماز را ترک نمی‌کنند و معاصی را مرتکب می‌شوند.

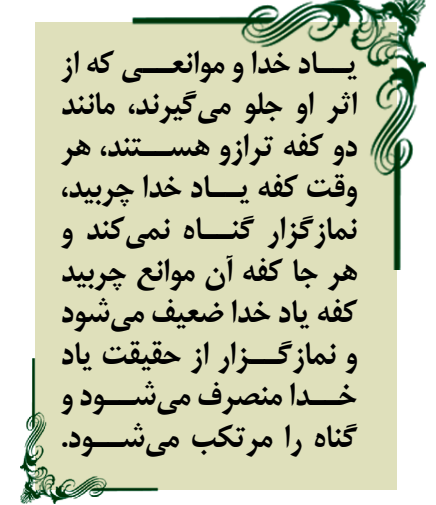
د- وجود مانع در برابر این بازدارندگی

علامه طباطبایی در تشریح علت عدم بازدارندگی نماز از گناه در نمازگزاران گفته‌اند: پیدایش صفت بازدارندگی از گناه اثر طبیعی نماز هست ولیکن به نحو اقتضاء، نه به نحو علیت تامه تا تخلّف نپذیرد و نمازگزار دیگر نتواند گناه کند، بلکه اثرش به مقدار اقتضاء است، یعنی اگر مانع و یا مزاحمی در بین نباشد اثر خود را می‌بخشد و نمازگزار را از فحشاء باز می‌دارد، ولی اگر مانعی و یا مزاحمی جلو اثر آن را گرفت، دیگر اثر نمی‌کند و در نتیجه نمازگزار آن کاری که انتظارش را از او ندارند می‌کند، (مثلاً ممکن است هوی و هوس‌های درونی شخص مانع تأثیر نماز شوند و آن را از اثر ببندازند، نماز چنین فردی در حد توان خود جلوی دشمن درونی را گرفته و مانع از فحشا و منکر می‌شود، لیکن نفس اماره‌اش قوی‌تر بوده و مانع از این اثرگذاری می‌شود)، خلاصه یاد خدا و موانعی که از اثر او جلو می‌گیرند، مانند دو کفه ترازو هستند، هر وقت کفه یاد خدا چربید، نمازگزار گناه نمی‌کند و هر جا کفه آن موانع چربید کفه یاد خدا ضعیف می‌شود و نمازگزار از حقیقت یاد خدا منصرف می‌شود و گناه را مرتکب می‌شود.^(۱)

هـ- خواندن نماز به جای اقامه کردن نماز

اگر دیده می‌شود افرادی نماز می‌خوانند، اما تأثیری در روح آنان دیده نمی‌شود، به این خاطر است که آنان نماز را فقط «می‌خوانند» و نماز را «بر پا نمی‌دارند»، در قرآن لفظ «صلاة» معمولاً با فعل

چرا نماز برای برخی نمازگزاران بازدارنده نیست؟!



«یقیمون» و «أقیموا» و مشتقات «قیام» آمده، یعنی «نماز را بر پا داشتن»، برپا داشتن نماز با خواندن نماز متفاوت است، فردی که نماز را برپا می‌دارد یعنی در تمام زندگی او نماز برپاست و در تمام حیات او توحید و صفات الهیه جاری است و حضور پررنگ دارد.

پی‌نوشت‌ها:

- عنکبوت، ۴۵
- بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۸
- نحل، ۹۰
- طباطبایی سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، موسوی همدانی سیدمحمدباقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش، پنجم، ج ۱۶، ص ۱۹۹
- گنجابادی سلطان محمد، تفسیر بیانالسعادة فی مقامات العباده، خانی صالحاحسنت‌الله رضایی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیامنور، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۱، ص ۲۴۴
- محسن قرآنی، تفسیر نماز، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۷ش، سیزدهم، ص ۲۸
- طباطبایی سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۱۹۸
- بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۸
- طباطبایی سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۲۰۱

از: فارس

در مرتبه سوم که مقام اکرام است، نه تنها عفو و گذشت می‌کند، بلکه به اصلاح امور پرداخته و کاری می‌کند تا به آن فرد نیکی هم برسد. خداوند می‌فرماید:ی را به بهترین‌ترین و نیکوترین وجه دفع کن؛ در این هنگام کسی که میان تو و او دشمنی است، گویی دوست صمیمی توست.(مومنون، آیه ۹۶) در مقام دوم و سوم انسان با خداوند معامله می‌کند. این مطلب در مرتبه سوم روشن‌تر است و خداوند می‌فرماید: پس کسی که عفو کند و اصلاح نماید اجر و پاداشش بر خداست.(شوری، آیه ۴۰) به طور طبیعی این اجر بدون حساب خواهد بود: أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ اجرهم بی‌حساب است(زمر، آیه ۱۰)، چرا که چنین شخصیی با خداوند معامله کرده و خداوند خریدار است.

اسلام با تعلیم و تزکیه خداوندی بر آن است تا انسان را از مرتبه نخست کمال یعنی عدالت به مرتبه دوم یعنی احسان و از آنجا به مرتبه آخر یعنی کرامت برساند که اتمام مکارم اخلاقی است که پیامبر(ص) خود را مامور و مبعوث به آن دانسته است و خداوند در آیات قرآن وی را مامور کرده است تا این گونه‌امت اسلام و مومنان را تربیت و تزکیه کند.

حسین قدمی

از فحشاء و منکر باشد، که قابلیت ایستادگی در برابر منکرات و فحشاء را داشته باشد. این زمانی است که نماز تنها به عنوان ذکر گفته نشود، بلکه «اقامه» شود تا موجب حالت ایستادگی در نمازگزار شود. در این زمان است که نمازگزار می‌تواند در برابر فشارهای فحشاء و منکرات مقاومت و ایستادگی داشته باشد.

اصولا اصل دین برای «اقامه» عدالت از نسوی توده‌های مردم آمده است: لَتَقْوَمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ.(جدید)؛ آیه ۲۵) و این زمانی رخ می‌دهد که مردم در برابر فشار ظالمین ایستادگی و مقاومت داشته باشند. البته مومنان می‌بایست در سطح عالی‌تر از ایستادگی و استقامت قرار گیرند که از آن به عنوان «قوامین بالقسط» مانده، آیه ۴۱) یاد شده است.
«علی نظری

صفحه ۸ شنبه ۳ خرداد ۱۳۹۹ ۲۲۴۷۳-شماره



ارزش مومن به علم و ادب و ادب و ادب قال الامام علی(ع): «یا مومن! ان هذا العلم و الادب ثمن نفesk، فاجتهد فی تعلمها؛ فما یزیدمن علمک و ادبک، یزید فی ثمنک و قدرک»

امام علی(ع) فرمود: ای مومن! آنچه به تو ارزش و بها می‌دهد، علم و ادب تو است.

پس در کسب هر دو آنها کوشش کن! هر قدر به علم و ادب تو افزوده ششود، به همان اندازه به ارزش تو نیز افزوده می‌شود.^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۸۰



تکبر، هرگز! عزت، آری

امام صادق(ع) می‌فرماید: هر کس خودش را بهتر از دیگران بداند، او از متکبران است.
خصص بن غیاث می‌گوید: عرض کردم: اگر گنهکاری را ببیند و به سبب بی‌گناهی و پاکدامنی خود، خویشان را از او بهتر بداند چه؟ فرمودند: هرگز! هرگز! چه بسا که او آمرزیده شود، او تا بر برای حسابرسی نگه دارند، مگر داستان جادوگران و موسی(ع) را نخوانده‌ای؟^(۱)
شخصی به امام‌حسن(ع) گفت: در وجود شما تکبر است، حضرت در پاسخ فرمودند: هرگز! تکبر تنها از آن خدا است. اما در وجود من، عزت است «خدای متعال فرموده است: عزت از آن خدا و پیامبر او و مومنان است»^(۲)

۱- الکافی، ج ۸، ص ۱۲۸

۲- بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۵



شاخص‌های کرامت انسان(۱)پرشش: آیا کرامت انسان یک ویژگی ذاتی حقیقی است یا یک امر اعتباری؟ نشانه‌های اهل کرامت کدام است؟ پاسخ:

مفهوم کرامت

کرامت از نظر لغوی ضد پستی و لثامت است و به معنای صفات پسندیده‌ای است که در انسان وجود دارد (مفردات راغب، ص ۴۲۸) و به کسی که به انواع نیکی و فضائل ارسته باشد کریم می‌گویند. (لسان‌العرب، ج ۱۲، ص ۵۱۰) در حقیقت دو معنا در لفظ کرامت نهفته است: منزّه بودن از پستی و فرومایگی و نیز آراسته بودن روح انسان به صفت بزرگواری، در روایتی از امام علی(ع)، هر دو معنای کرامت آمده است: الکرم حسن السجیه و اجتناب الدنیه» کرامت، نیکی اخلاق و پرهیز از ذنات و پستی است. (شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۲۹)

یکی از مفاهیم ارزشمند و متعالی در اخلاق اسلامی، کرامت انسان است. کرامت انسان از فطرت الهی او سرچشمه می‌گیرد. خلقت انسان به گونه‌ای است که کرامت در ذات او نهفته است، و استعداد ظهور و تقویت کرامت در متن خلقت او وجود دارد. قرآن کریم می‌فرماید: و لقد کرّمنا بنی آدم... ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم. (اسراء- ۷۰)

کرامتی که خدای متعال به انسان عطا کرده، نه یک کرامت اعتباری، بلکه کرامتی ذاتی و حقیقی می‌نویسد؛ مراد آیه، بیان حال جنس بشر است، و مقصود از تکريم اختصاص دادن به عنایت و شرافت دادن به خصوصیت است که در دیگران نباشد. (ترجمه‌المیزان، ص ۱۵، ج ۲۶۴)

بنابراین از منظر قرآن کلیه انسان‌ها از یک کرامت ذاتی برخوردارند که در نوع خلقت آنها وجود دارد، و موجودات دیگر از آن بی‌بهره‌اند. همین کرامت ذاتی اقتضا می‌کند که اساس تعلیم و تربیت یک جامعه و شیوه حکمرانی این باید براساس تکريم و رساندن انسان به کرامت نفس باشد، در غیر این صورت مسیر انحرافی خواهد بود و انسان و جامعه به کمال مطلوب خود نخواهند رسید.

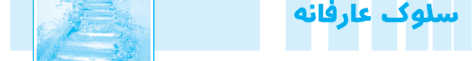
شاخص‌های کرامت انسان

افراد صاحب کرامت نشانه‌هایی دارند که با آنها شناخته می‌شوند، اهم آنها عبارتند از:

۱- تنفر از پستی

انسان‌های کریم نه تنها از کارهای لغو و بیهوده با کرامت عبور می‌کنند، بلکه هرگز با لثیمان همسو نشده و از کارهای پست آنها ابراز تنفر می‌کنند. امام علی(ع) می‌فرماید: «الکریم یزد جرد عما یفخر به اللئیم» شخص کریم از آن چیزهایی که انسان‌های پست به آنها افتخار می‌کنند، متنفر است. (شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۴۴)

ادامه دارد



علائم انحراف و شکست

(بدان ای سالك راه خدا!) آن روزی که دیدید و دیدند که انحراف در مجلس پیدا شد، انحراف از حيث قدرت‌طلبی و از حيث مال‌طلبی، در کشور (و) در وزیرها پیدا شد، در رئیس‌جمهور پیدا شد، آن روز دیدند که علامت این که شکست بخوریم، خودنمایی کرده است.^(۱)

صفحه معارف روزهای: شنبه ،یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شودتلفن‌های مستقیم: ۳۲۹۴۱۹۹۱ - ۳۲۹۲۲۲۱ Maaref@Kayhan.ir